



نیک‌نشان، شقایق؛ نصر اصفهانی، احمدرضا؛ میرشاه‌جعفری، ابراهیم؛ فاتحی‌زاده، مریم (۱۳۸۹). میزان استفاده اساتید از روش‌های تدریس خلاق و بررسی ویژگی‌های خلاقانه مدرسان دانشگاه از نظر دانشجویان استعداد درخشان. *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، ۱۱ (۲)، ۱۶۴-۱۴۵.

میزان استفاده اساتید از روش‌های تدریس خلاق و بررسی ویژگی‌های خلاقانه مدرسان دانشگاه از نظر دانشجویان استعداد درخشان

شقایق نیک‌نشان^۱ - احمدرضا نصر اصفهانی^۲ - ابراهیم میرشاه‌جعفری^۳ - مریم فاتحی‌زاده^۴

تاریخ دریافت: ۸۸/۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۸۹/۹/۲

چکیده:

هدف این پژوهش بررسی میزان کار بست اصول تدریس خاص دانشجویان استعداد درخشان و ویژگی‌های مدرسان این دانشجویان در دانشگاه اصفهان میباشد. روش تحقیق علی - مقایسه‌ای و کمی - کیفی است. در بخش کمی از پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته و در بخش کیفی از مصاحبه نیمه‌سازمان یافته برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، تعداد ۱۰۲ دانشجوی استعداد درخشان می‌باشد. از این تعداد ۷۰ نفر انتخاب و پرسش‌نامه در اختیار آنان قرار گرفت. برای مقایسه دانشجویان استعداد درخشان با دانشجویان عادی، ۷۰ نفر نیز از بین دانشجویان عادی دانشگاه اصفهان انتخاب گردیدند به منظور انتخاب نمونه مصاحبه شونده‌گان، از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع موارد مطلوب استفاده شد. یافته‌های تحقیق در بخش کمی حاکی از آن است که دانشجویان استعداد درخشان و دانشجویان عادی از وضعیت آموزشی ناراضی بوده‌اند. نتایج پژوهش در بخش کیفی نشان می‌دهد متخصصان در خصوص روش‌های تدریس بر سه مقوله شامل: کاربرد روش تدریس فعال، روش‌های تدریس خلاق و مشارکتی تأکید کرده‌اند. متخصصان در مورد ویژگی اساتید، بر چهار مقوله‌ی هماهنگ بودن دانش اساتید با دانش روز، داشتن تفکر انتقادی، خلاق بودن و آشنا بودن اساتید با شخصیت منحصر به فرد فراگیران تأکید نموده‌اند.

واژه‌های کلیدی: دانشجویان استعداد درخشان، روش تدریس، ویژگی‌های اساتید، خلاقیت

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان . sh21nikneshan@gmail.com

۲. دانشیار دانشگاه اصفهان.

۳. عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان.

۴. عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان.

مقدمه

در عصر حاضر سرمایه گذاری بر روی نیروی انسانی برای دست یابی به منابع قدرت حائز اهمیت بسیار است. دانشجویان استعداد درخشان با داشتن خلاقیت و ابتکار بالا، از منابع دست‌یابی به این قدرت به شمار می‌روند. بنابراین، محیط و برنامه‌های درسی دانشگاه باید به گونه ای باشد که مانعی برای رشد و شکوفایی استعداد و خلاقیت این دانشجویان نگردد. به گفته میکرا^۱ (۱۹۸۲) وقتی افراد مجبور شوند به جای بیان عقایدشان تقلید کنند و به جای کارهای پرمعنی تنها به نظم و آراستگی تشویق شوند، خلاقیت نابود می‌شود. بنابراین مشخص ساختن راهبردهای یاددهی - یادگیری مؤثر برای دانشجویان استعداد درخشان گامی مهم در جهت ارتقاء سطح علمی این دانشجویان می‌باشد. به علاوه، شناسایی این راهبردها و به کارگیری آنها در سطح دانشگاه باعث افزایش رضایت و ایجاد نگرش مثبت این دانشجویان به برنامه‌های درسی دانشگاه و خدمات ارائه شده به دانشجویان می‌شود. از سوی دیگر، سطح آموزش در دانشگاه نیز بهبود می‌یابد و در نهایت دانشگاه در ایفای نقش خود یعنی آموزش و توسعه سرمایه‌های انسانی موفق‌تر عمل می‌نماید. به منظور تبیین مباحث مطرح شده، در ادامه مقاله پیرامون شیوه‌های تدریس به دانشجویان استعداد درخشان و ویژگی‌های مطلوب مدرسان توضیحاتی ارائه می‌شود:

۱- شیوه‌های تدریس به دانشجویان استعدادهای درخشان

یکی از ارکان اصلی در دانشگاه موضوع آموزش و فرآیند یاددهی و یادگیری است. با توجه به پیشرفت فن‌آوری و ورود به عصر فرا صنعت لازم است فرایند یاددهی - یادگیری در مدارس و دانشگاه نیز با این تحولات هماهنگ گردد و از راهبردهای سنتی انتقال اطلاعات به سمت راهبردهای آموزشی جدید مسئله‌مداری و مشکل‌گشایی - که می‌تواند منجر به رشد توانایی‌های خلاق در دانش‌آموزان و دانشجویان گردد - حرکت نماید. این موضوع در مورد استعدادهای درخشان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چرا که این افراد از توانایی‌های بالایی برخوردارند و می‌توان با روش‌های مؤثر تدریس آنها را یاری نمود تا بینش خود را وسعت دهند و به این ترتیب قدرت تجزیه و تحلیل مطالب، نقد علمی، توانایی حل مسائل و قدرت ابداع و ابتکار را در آنها افزایش داد. معمولاً روش‌های یاددهی و یادگیری به دو دسته روش‌های فعال و غیر فعال تقسیم می‌شود. طبیعی است که راهبردهای آموزشی مبتنی بر خلاقیت، مربوط به دسته اول باشد. روش‌های فعال، فرایندی تعاملی است که یادگیرنده در جریان آموزش نقش فعال ایفا نموده و یاددهنده نقش راهنما را دارد (تورنس^۲، ۱۹۹۰؛ کرکا و گوری^۱، ۱۹۹۰، گوری، ۱۹۹۹). لازم به ذکر

1. Maker
1 Torrance

است، اگر چه طرح درس اساتید از پیش طراحی و در اختیار اساتید قرار می‌گیرد اما این امکان نیز وجود دارد که با توجه به توانمندی‌های دانشجویان و تشخیص اساتید دخل و تصرفاتی در آن صورت پذیرد، به علاوه اساتید میتوانند از روش‌های تدریس فعال نظیر غنی‌سازی نیز متناسب با شرایط و توانایی‌های دانشجویان استفاده نمایند؛ زیرا همان طور که ذکر شد، روش‌های فعال آموزش می‌توانند فرصت لازم برای توسعه مهارت‌های تفکر خلاق و نقاد را هر چه بیشتر فراهم آورند. مهمترین این راهبردها که در ادامه توضیحاتی درباره آنها ارائه می‌شود عبارتند از: ۱- برنامه یادگیری متجانس، ۲- دسته بندی گروهی، ۳- غنی سازی، ۴- تسریع، ۵- الگوی برنامه درسی مبتنی بر حل مسأله و ۶- الگوی برنامه‌غنی سازی درسی تلفیقی.

۱ برنامه یادگیری همگن و متجانس: کالرس^۲ در سال ۱۹۹۷ مفهوم برنامه‌های همگن و متجانس را مطرح ساخت. و بر اساس این برنامه، برای همه فراگیران صرف نظر از توانایی‌های آنان، موقعیتی فراهم می‌آید تا آموزش‌های خاصی را در کلاس‌های عادی دریافت نمایند. در این برنامه، فراگیران استعداد درخشان می‌توانند درس‌ها را با سرعت بیشتری بیاموزند و دروس خاص و مورد علاقه خود را در خارج از برنامه درسی کلاس دنبال کنند (رنزولی و همکاران^۳، ۱۹۹۹؛ آرچامبالت^۴ و همکاران، ۱۹۹۹).

۲ دسته‌بندی های گروهی: این گونه دسته‌بندی‌ها هنگامی امکان‌پذیر است که فراگیران مستعد با توانایی‌های مختلف در یک کلاس قرار گرفته باشند. معلم این کلاس باید مهارت‌های خاص برای تدریس به این گروه‌ها را داشته باشد. این روش به سه دلیل مورد حمایت متخصصان می‌باشد که عبارتند از: ۱- مقرون به صرفه بودن، ۲- فراهم آوردن موقعیت مناسب برای فعالیت مشارکتی و ۳- تسهیل یادگیری جامع و یادگیری خارج از کلاس (هوور^۵، سایلر^۶، ۱۹۹۳؛ میدهانس^۷، ۱۹۹۷).

۳ استفاده از برنامه‌های درسی غنی سازی شده:

این گونه برنامه‌ها موقعیت‌هایی را برای دانش آموزان فراهم می‌نماید تا بتوانند بر روی اصول خاص و یا موضوعات مورد علاقه خود به پژوهش بپردازند. مطالعه مضامین و زمینه‌های خاص، برنامه‌های چالش برانگیز، کنفرانس‌ها و تحقیقات فردی و گروهی از این دسته‌اند. در بسیاری از کشورها این شیوه برای بزرگسالان دارای استعداد درخشان شیوه مناسبی تشخیص داده شده است (رنزولی و گوینتز، ۱۹۹۸).

2 Kerka, Gory

3 Culross

4 Rensulli

5 Archumbult

1. Hower

2. Sayler

3. Midhunce

برنامه درسی غنی شده اشاره به فرصت های با ارزش و متنوعی دارد که توسط برنامه درسی در برخی از زمینه‌های خاص فراهم می‌گردد (دیویس^۱، بیم^۲، ۱۹۸۶). این تغییر و اصلاح در برنامه، ممکن است در زمینه محتوا و یا در زمینه راهبرد های تدریس باشد. هدف از برنامه‌های درسی غنی شده، ارائه برنامه درسی است که هم از لحاظ عمق و هم از لحاظ کمیت گسترده‌تر باشد که همین امر باعث به چالش کشیدن ذهن فراگیران در حیطه‌های خاص خواهد شد.

بنابر عقیده^۳ روگراس (۱۹۹۶) برنامه های غنی سازی باعث ایجاد انطباق و سازگاری بیشتر برنامه‌ها و مطالب درسی با استعداد فراگیران گشته و باعث ایجاد انگیزه و علاقه به یادگیری درس در فراگیران استعداد درخشان می‌گردد. علاوه بر آن، باعث کاهش خستگی و کسالت از کلاس و یادگیری که پدیده ای شایع در میان این فراگیران است می‌گردد. هاولی^۴ (۱۹۸۶) سه نوع الگو را در برنامه‌های غنی سازی سازی مطرح می‌سازد که عبارتند از: برنامه‌های غنی سازی فرایند محور، محتوا محور و محصول محور که در ادامه توضیحات مختصری پیرامون هر یک از سه رویکرد ارائه می‌گردد:

الف) غنی سازی فرایند محور: این رویکرد بیشتر بر روی شیوه‌های تدریس و رویه‌های یادگیری حل مسأله متمرکز است. این روش در کلاس به صورت مطالعات مستقل در خصوص موضوعات مورد علاقه فراگیران و تأکید اساتید بر کاربرد تفکر و مهارت‌های سطح بالا در حل مسائل و مشکلات عادی در موقعیت‌های مختلف، قابل اجرا است.

ب) غنی سازی محتوا محور: برنامه‌های غنی سازی در برخی از زمینه‌های درسی نظیر ریاضیات، علوم تجربی (شیمی، فیزیک...)، زبان، مباحث مربوط به علوم انسانی و علوم اجتماعی به کار می‌رود. در این صورت مواد درسی به صورت گسترده‌تر از لحاظ عمق و کیفیت به فراگیران ارائه می‌گردد. این روش به صورت برگزاری مواردی مانند دوره های فشرده و کوتاه مدت، انجام طرح های پژوهشی فردی و گروهی و انجام سمینارها قابل اجرا می‌باشد.

ج) غنی سازی محصول یا نتیجه محور: این رویکرد بر نتایج حاصل از برنامه‌های درسی غنی سازی شده تأکید می‌نماید. این بازده ممکن است در عمل به صورت ارائه سخنرانی، سمینار، ارائه یک مقاله و حتی ابداع و اختراع یک وسیله باشد (هاولی و همکاران، ۱۹۸۶). در واقع، در این شیوه فرایند

4. Daivis
5. Bimm
6. Rogross
7. Howlly

یادگیری باید به صورت عملی نتایج را - که ممکن است تهیه مقاله یا ابداع باشد - در معرض دیده قرار دهد.

۴. تسریع: در این حالت، سن فراگیران پایین تر از سن هم کلاسان است و فراگیران می توانند دروس سالهای بالاتر را فراگیرند. اشکال عمده تسریع آن است که برنامه درسی سال بالاتری که فراگیر دارای استعداد درخشان به عنوان جهشی در آن قرار می گیرد با نیازهای فراگیران استعداد درخشان هم سو و دریک جهت نیست (تاملینسون^۱، ۱۹۹۶).

محتوای درسی در برنامه درسی تسریع به گونه ای است که مطالب بیشتر در مدت زمان کمتری ارائه می گردد. در واقع، محتوای درسی در تسریع با محتوای درسی عادی تفاوتی ندارد و فقط سریع تر و یا زودتر به فراگیر استعداد درخشان عرضه می شود. از جمله محاسن این شیوه زودتر تمام کردن سطح تحصیلات عادی، کاهش نارضایتی و افت در دوران تحصیل و کاهش مشکل مشابه سازی فراگیران دارای استعدادهای درخشان با فراگیران عادی می باشد (باسکا^۲، ۱۹۹۹).

تحقیقات بسیار گسترده ای از تسریع حمایت نموده اند و تنها حدود ۲ تا ۵ درصد افراد از این برنامه اظهار نارضایتی نموده اند (وستبرگ^۳، ۲۰۰۳). پژوهش ها همچنین نشان می دهد تسریع در درس های خاصی مانند زبان و ریاضیات بسیار مفید است. به طور کلی، اگر در اجرای این شیوه مطالب درسی با کیفیت بالا تدریس شود، این روش بسیار عالی عمل می نماید و باعث کم شدن تعداد سال هایی می شود که فرد در محیط آموزش طی می نماید.

این شیوه در تمام سطوح تحصیل از دبستان تا دانشگاه قابل اجراست و از لحاظ هزینه نیز مقرون به صرفه است. برای اجرای این روش در سطح دانشگاه باید این امکان برای دانشجویان دارای استعداد درخشان فراهم گردد تا آنان بتوانند واحدهای سال های بالاتر را سریع تر بگذرانند و یا حتی در سطح کارشناسی بتوانند واحدهایی در سطح کارشناسی ارشد اخذ نمایند که برای تحقق این امر لازم است سقف محدود انتخاب واحد از میان برداشته شود و یا تمهیداتی در این زمینه در نظر گرفته شود.

۵. برنامه درسی مبتنی بر حل مسئله: توجه و تمرکز بر مهارت های تفکر، فرایند تفکر و حل مسأله برای معلمان و اساتید بسیار ضروری است. کاپلان^۴ حل مسأله را به عنوان توالی فعالیت های مبتنی بر هدف

^۱ Tamlinson

^۲ Wan tasel Baska

^۳ Westberg

^۴ Kaplan

و فرایندهای شناختی می‌داند و خاطر نشان می‌سازد که این گونه تفکر باید در برنامه درسی برای فراگیران دارای استعداد درخشان گنجانده شود (کاپلان، ۲۰۰۴).

۶- استفاده از برنامه درسی تلفیقی: این الگو یک ارتباط منطقی با نیازها و استعدادهای فراگیران در سطوح مختلف ایجاد می‌کند. این رویکرد در سطوح مختلف به اجرا در می‌آید و این امر از طریق ارائه برنامه‌های چالش برانگیز و انجام پژوهش‌های عملی، مطالعات اجتماعی، هنر، زبان و مکالمه قابل انجام است. مفروضات این الگو به این شرح است: ۱- تأکید بر ارائه محتوا به صورت پیشرفته و غنی سازی شده و ارائه چهارچوب مشخص برای رشته‌ها و دروس مورد مطالعه، ۲- ارائه فرصت‌هایی برای تفکر در سطح بالا، ۳- تمرکز بر تجارب یادگیری مبنی بر موضوعات اساسی، زمینه‌ها و ایده‌ها در دو سطح عملی و نظری در رابطه و حول محور موضوعات اساسی (نیلسون^۳ و وارد^۴، ۱۹۸۷).

اگر این الگو متناسب با شخصیت فراگیران، کنجکاوی و حساسیت بیش از حد آنان و پیچیدگی خاص شخصیتی فراگیران طراحی شود، می‌تواند پاسخگوی نیازهای منحصر به فرد آنان باشد. در این الگو اصول و مفاهیم مربوط به برنامه‌های درسی استعدادهای درخشان چه در حیطه‌های سنتی و چه در حیطه‌های غیرسنتی مشخص می‌گردد و با مهارت‌های تفکر سطح بالا و برنامه‌های درسی مبتنی بر مفاهیم پیوند خورده است.

۲- ویژگی‌های اساتید

اساتید یکی از مهمترین عناصر فرایند آموزشی افراد دارای استعداد درخشان به شمار می‌آیند و در صورتی می‌توانند پاسخگوی نیازهای منحصر به فرد این فراگیران باشند که با ویژگی‌های خاص آنان آشنا باشند. به اعتقاد لاندری^۱ (۲۰۰۱) اساتید موفق در زمینه آموزش افراد دارای استعداد درخشان باید بتوانند در فراگیران انگیزه لازم را ایجاد نمایند. علاوه بر آن، باید تلاش نمایند اضطراب و ترس آنان تا حد قابل قبولی کاهش دهند و الگوهای تفکر واگرا و خلاق را در فراگیران ترغیب نمایند. در همین راستا، آرچامبالت (۱۹۹۳) اظهار می‌دارد، پژوهش‌ها نشانگر این مطلب است که دانشجویان استعداد درخشان بیشتر زمان خود را به صورت غیرفعال در کلاس‌های درس می‌گذرانند و از موقعیت‌های پیشرفته و یا واحدهای برنامه درسی چالش‌زا به طور متوسط کمتر از یک بار در ماه برخوردار می‌گردند.

1. Landry

به اعتقاد سنی^۱ (۲۰۰۱) اساتیدی که با دانشجویان استعداد درخشان کار می‌کنند حداقل باید در چندین زمینه اساسی صلاحیت و شایستگی داشته باشند. از جمله این زمینه‌ها آشنایی با شخصیت فراگیران، آگاهی از میزان رشد آنان در جنبه‌های مختلف و آشنایی با شیوه‌ها و سبک یادگیری مورد علاقه آنها می‌باشد. آنها باید بطور ویژه در زمینه برنامه‌های درسی و مهارت در برقراری ارتباطات اجتماعی و تعامل با فراگیران آگاهی زیادی داشته باشند. به طور کلی، این توانایی‌ها در دو دسته دانش و اطلاعات (زمینه‌های تخصصی و آنچه که نیاز است معلمان و اساتید بدانند) و مهارت‌ها (آنچه که باید اساتید قادر به انجام دادن آن باشند) قرار می‌گیرند.

پرسش‌های پژوهش

اصول تدریس به دانشجویان دارای استعداد درخشان تا چه اندازه در شیوه‌های تدریس اعضای هیأت علمی ملاحظه می‌شود؟
ویژگی‌های مطلوب برای مدرسان دانشجویان استعداد درخشان، تا چه اندازه در اعضای هیأت علمی دانشگاه اصفهان ملاحظه می‌شود؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف از نوع کاربردی است و با توجه به استفاده از پرسش‌نامه و مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته می‌توان آن را کمی - کیفی نیز نامید.
جامعه آماری این پژوهش شامل سه دسته است، اولین دسته، دانشجویان استعداد درخشان دانشگاه اصفهان هستند. منظور از دانشجویان استعداد درخشان در این پژوهش دانشجویانی هستند که در کنکور سراسری رتبه‌ی زیر ۱۰۰ را کسب نموده‌اند، در المپیادهای علمی و ادبی مقام اخذ نموده‌اند و یا بر اساس معدل رتبه اول تا سوم رشته خود را کسب کرده‌اند. که سیاهه اسامی آنها توسط معاونت آموزشی دانشگاه مشخص شد. تعداد افراد این جامعه با توجه به افراد فارغ التحصیل، ۱۰۲ نفر می‌باشد. این سیاهه در اختیار مدیران گروه هر رشته نیز قرار می‌گیرد تا این دانشجویان بتوانند از مزایا و خدمات خاصی که دانشگاه در اختیار آنان قرار می‌دهد، بهره‌مند گردند. به این ترتیب، اساتید نیز می‌توانند به این سیاهه دسترسی داشته باشند.

جامعه دوم پژوهش متشکل از دانشجویان عادی دانشگاه اصفهان می‌باشند. در نهایت سومین جامعه آماری، جمعی از صاحب‌نظران و متخصصان در زمینه استعدادهای درخشان می‌باشند. منظور از

1. Senny

صاحب‌نظران کسانی هستند که در این مورد به نگارش مقاله پرداخته‌اند، دروس مربوط به این دانشجویان را تدوین یا تدریس کرده‌اند و یا بر اساس تجربه کاری با آنان ارتباط دارند. تعداد افراد این دسته ۱۰ نفر می‌باشند که به صورت فردی از آنان مصاحبه نیمه ساختار یافته به عمل آمده است.

از آن جا که در این پژوهش جامعه آماری دانشجویان دارای استعداد درخشان ۱۰۲ نفر بودند که ۳۲ نفر از آنان به دلایل مختلف از جمله فارغ‌التحصیل شدن و یا عدم علاقه از شرکت در پژوهش انصراف داده و بر این اساس ۷۰ نفر از دانشجویان دارای استعداد درخشان در این پژوهش شرکت نمودند برای مقایسه نتایج حاصل از پرسشنامه دانشجویان استعداد درخشان با دانشجویان عادی، حجم نمونه گروه دانشجویان عادی نیز ۷۰ نفر تعیین شد. این افراد از طریق نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه در اختیار آنان قرار گرفت. برای مقایسه صحیح بین دو گروه مذکور سعی شد از روش هم‌سازی رشته‌ای استفاده گردد. بدین معنا که دانشجویان عادی از گروه‌هایی انتخاب شوند که دانشجویان استعداد درخشان در آنها مشغول به تحصیل بودند. برای برآورد حجم نمونه در انتخاب متخصصان، از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع موارد مطلوب استفاده گردیده است.

در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته و مصاحبه فردی، حضوری و نیمه ساختارمند استفاده شده است. پرسشنامه پژوهش به بررسی روش‌های تدریس و ویژگی‌های شخصیتی اساتید می‌پردازد. به علاوه برای نمره‌گذاری پرسش‌ها در پرسش‌نامه از طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت استفاده شده است. روش‌های بهبود این دو بعد با استفاده از مصاحبه بررسی گردید. برای ساخت پرسشنامه ابتدا یک مصاحبه گروهی با تعدادی از دانشجویان استعداد درخشان ترتیب داده شد و سپس پیشینه موضوع با دقت مطالعه شد. لازم به ذکر است که تعداد پرسش‌های پرسشنامه در بعد روش‌های تدریس پانزده پرسش و در بعد ویژگی‌های اساتید ۱۳ عدد می‌باشد. پایایی پرسشنامه بر اساس روش آلفا کراباخ ۰/۹۴ تعیین شده است. و روایی آن نیز توسط اساتید و متخصصان، مناسب تشخیص داده شد.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه از شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی در محیط نرم افزار SPSS استفاده شده است. در سطح آمار توصیفی از فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار به منظور توصیف واقعیت‌های جمع‌آوری شده استفاده شده است. در سطح آمار استنباطی، از آزمون t تک نمونه‌ای، آزمون t مستقل استفاده شده است. همان‌گونه که پیشتر ذکر شد، روش‌های بهبود این دو بعد (روش‌های تدریس و ویژگی‌های اساتید) با استفاده از مصاحبه نیمه ساختارمند بررسی گردید. برای تدوین سوالات مصاحبه به دلیل در دسترس نبودن فرم سوالات استاندارد در رابطه با موضوع این پژوهش،

سوالات توسط پژوهشگران تدوین و در اختیار صاحب نظران قرار گرفت و بدین صورت روایی سوالات مورد تایید قرار گرفت. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به دلیل نبودن چار چوب نظری از پیش تدوین شده برای مقوله‌بندی در رابطه با این موضوع، مقوله بندی با توجه به مبانی نظری و نظر متخصصان انجام شد.

یافته‌ها

در پاسخ به پرسش نخست پژوهش: اصول تدریس به دانشجویان استعداد درخشان تا چه اندازه در شیوه های تدریس استادان گروه آموزشی ملاحظه می شود؟ پرسشنامه ای ۱۵ سوالی بر اساس مقیاس لیکرت طراحی شد. خلاصه ی آماره های به دست آمده برای هر یک از پرسش های پرسش نامه در جدول (۱) آمده است.

جدول (۱): مقایسه میانگین نمره سؤال های مربوط به شیوه های تدریس استادان از نظر دو گروه دانشجویان

P	T	عادی		استعداد درخشان		گویه‌ها	رتبه
		S	\bar{X}	S	\bar{X}		
۰/۵۹۹	۰/۵۲۸	۱/۰۴	۳	۱/۸۶۳	۳/۰۸	واگذاری ارائه بخشی از محتوا به دانشجویان توانا	۱
۰/۶۱۲	۰/۴۶۶	۰/۹۲۱	۳/۱۸	۰/۸۹۳	۳/۱۱	طرح مسأله و بحث در رابطه با موضوع درس	۲
۰/۰۰۰	۴/۰۸	۰/۹۴۸	۲/۳۵	۱/۰۷	۳/۰۵	تقویت ایده های نو و خلاق مرتبط با درس در دانشجویان	۳
۰/۴۷۶	۰/۷۱۴	۱/۰۸	۲/۷۰	۱/۰۴	۲/۸۲	توجه بر تفکر انتقادی در بحث و تدریس	۴
۰/۷۲۲	۰/۳۵۷	۱/۰۲	۳/۲۷	۰/۸۶۶	۳/۲۱	تدریس بر اساس نکات کلیدی و مفاهیم اساسی درس	۵
۰/۵۰۹	۰/۶۶۱	۰/۹۴۱	۲/۵۷	۱/۰۹	۲/۶۸	مرتبط نمودن موضوعات درس با شرایط واقعی زندگی	۶

۰/۳۳۳	۰/۹۷۲	۰/۸۷۶	۲/۵۸	۱/۰۳	۲/۷۰۴	مرتبط نمودن مفاهیم اساسی درس به سایر دروس رشته	۷
۰/۶۴۶	۰/۴۶۳	۱/۰۷	۲/۸۲	۱/۱۱	۲/۴	استفاده از روشهای مختلف در تدریس (سخنرانی و ...)	۸
۰/۰۰۱	۳/۵۶	۰/۸۶۳	۱/۵	۱/۳۹	۲/۲۰	استفاده از رایانه و سایر رسانه ها در تدریس	۹
۰/۲۹۷	۱/۰۸	۰/۹۸۶	۲/۶۸	۱/۰۳	۲/۷	توجه و تأکید اساتید بر انجام تحقیق انفرادی توسط دانشجویان	۱۰
۰/۲۰۱	۱/۲۸	۱/۰	۲/۴۲	۱/۲۲	۲/۶۷	اختصاص بخشی از کلاس به بحث آزاد پیرامون درس	۱۱
۰/۲۲۲	۱/۲۲	۱/۰۱	۲/۴۰	۱/۰۵	۲/۶۱	طرح سؤالاتی که نیاز به تفکر زیاد و تجزیه و تحلیل دارد	۱۲
۰/۸۲۴	۰/۲۲۲	۱/۰	۲/۲۲	۱/۲۰	۲/۱۸	تأکید اساتید بر انجام پژوهش های گروهی توسط دانشجویان	۱۳
۰/۶۴۱	۰/۴۹۵	۱/۱۵	۲/۰۵	۱/۲۳	۲/۱۵	استفاده از روشهای تدریس فعال	۱۴
۰/۲۳۵	۰/۹۴۷	۱/۱۵	۱/۶۷	۱/۱۴	۱/۸۵	تدریس مشارکتی یک درس توسط دو یا چند استاد	۱۵

بر اساس یافته های جدول (۱)، از پانزده گویه مربوط به شیوه های تدریس اساتید، مشاهده شده در گویه های شماره ۳ "تقویت ایده های نو و خلاق" و گویه شماره ۹ "استفاده از رایانه و سایر رسانه ها در تدریس" معنا دار است. به عبارت دیگر دیدگاه دانشجویان استعداد درخشان و عادی در این دو مورد به طور معناداری متفاوت است. در هر دو مورد دانشجویان عادی شیوه های تدریس اساتید را ضعیف ارزیابی نموده اند. بر اساس نتایج جدول (۱)، بیشترین میانگین از نظر دانشجویان عادی مربوط به گویه ۵

"تدریس بر اساس نکات کلیدی و مفاهیم اساسی موضوعات درسی" ($M=3/27$) و کمترین میانگین مربوط به گویه شماره ۳ "تقویت ایده های نو و خلاق مرتبط با درس" ($M=2/35$) بوده است. از نظر دانشجویان استعداد درخشان، بیشترین میانگین مربوط به گویه شماره ۲ «طرح مسأله و بحث در رابطه با موضوع درس» ($M=3/11$) و کمترین میانگین مربوط به گویه شماره ۱۵ «تدریس مشارکتی یک درس توسط دو یا چند استاد» ($M=1/85$) بوده است. که البته در این پژوهش، $3/5$ به منزله معیار فرض شده است زیرا از دانشگاه انتظار می رود تا با توجه به توانایی های دانشجویان استعداد درخشان، کیفیت تدریس و ویژگی های اساتید خود را با هدف پرورش خلاقیت و کارآفرینی بالاتر از حد متوسط نماید. جدول (۲) مقایسه میانگین شیوه های تدریس استادان با معیار فرضی $3/5$ از نظر دانشجویان استعداد درخشان

T	$\Sigma \varepsilon$	Σ	\bar{X}	شیوه های تدریس
-۹/۱۷	۰/۹۰	۰/۷۵۴	۲/۶۷	

بر اساس یافته های جدول (۲)، t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۵ درصد کوچکتر است به این معنی شیوه تدریس استادان، از نظر دانشجویان استعداد درخشان کمتر از سطح مطلوب ارزیابی شده است.

جدول (۳): مقایسه میانگین شیوه های تدریس استادان با معیار فرضی $3/5$ از نظر دانشجویان عادی

T	$\Sigma \varepsilon$	Σ	\bar{X}	شیوه های تدریس
-۱۵/۲۰	۰/۶۴	۰/۵۳۶	۲/۵۲	

در جدول (۳)، t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۵ درصد کوچکتر است، به این ترتیب می توان نتیجه گیری کرد که شیوه تدریس استادان، از نظر دانشجویان عادی کمتر از سطح مطلوب ارزیابی شده است.

روش های تدریس مناسب برای شکوفاسازی توانایی های دانشجویان استعداد درخشان

همانگونه که پیشتر بیان شد برای شناخت روش های موثر تدریس به دانشجویان استعداد درخشان مصاحبه ای با متخصصان انجام پذیرفت. خلاصه ای از یافته ها در این قسمت ارائه می شود:

۱- **کاربرد روش های فعال در تدریس:** سه نفر از مصاحبه شوندگان بر کاربرد روش تدریس فعال و مبتنی بر بحث و گفتگو در کلاس تأکید داشتند و معتقد بودند که روش تدریس سخنرانی که استاد

صرفاً اطلاعات را به دانشجویان منتقل نماید، نمی‌تواند روش مناسبی برای انتقال اطلاعات به فراگیران باشد. البته یکی از مصاحبه‌شوندگان توضیح داد که: "معمولاً در روش تدریس، صحبت از کاربرد روش فعال است، اما باید به این نکته نیز توجه داشت که آمادگی قبلی دانشجویان تا چه اندازه است. در صورتی که دانشجویان از مسأله طرح شده در کلاس اطلاعات قبلی داشته باشند، می‌توان از روش فعال استفاده نمود، اما در صورتی که چنین آمادگی وجود نداشته باشد، استاد باید نقش انتقال‌دهنده داشته باشد و مطالب را بسط دهد" (فرد شماره ۲، ۱۳۸۴).

۲- استفاده از روش‌های تدریس خلاق: مناسب‌ترین روش برای شکوفاسازی استعدادها و توان ابتکاری دانشجویان استعداد درخشان، استفاده از روش‌های تدریس خلاق است. با استفاده از این روش‌ها دانشجویان می‌توانند به ارائه یک فرضیه و یا یک الگوبردازند، ابداع کنند و در نهایت ایده‌های نو و محصولات نو بر اساس تراوشات ذهنی آنان ارائه گردد. این امر در صورتی میسر است که اساتید در تدریس خود متکی به روش سخنرانی و ارائه اطلاعات محض نباشند. یکی از صاحب‌نظران در این باره چنین می‌گوید: "متکی بودن دانشجو به کتاب و استفاده از روش سخنرانی محض عامل اصلی سرخوردگی دانشجو و بزرگترین مانع بر سر راه بیان خلاق عقاید و حتی ارائه یک الگوی علمی از سوی دانشجویان است" (فرد شماره ۷، ۱۳۸۴).

۳ تدریس مشارکتی: ارائه یک درس به صورت مشارکتی از جمله روش‌هایی است که می‌تواند تدریس اساتید را بهبود بخشد. در این رویکرد، یک درس به وسیله دو یا چند استاد متخصص ارائه می‌گردد و علت این امر آن است که هر استاد در بخش خاصی از درس تخصص دارد و این امر به بهبود یادگیری دانشجویان کمک می‌نماید. به اعتقاد فرد شماره ۷، تدریس مشارکتی از جمله روش‌های بهبود فرایند یاددهی - یادگیری است، اما هنگامی بهترین تأثیر را دارد که اساتید قبل از شروع ترم با هم به هماهنگی لازم رسیده باشند تا بتوانند مطالب یکدیگر را تکمیل نمایند و درس را به صورت منسجم ارائه دهند. علاوه بر آن، اساتیدی که برای یک درس انتخاب می‌گردند باید در حیطه مورد نظر مهارت لازم را داشته باشند.

۲- در بخش دیگری از پژوهش، به منظور پاسخگویی به دومین پرسش پژوهش ویژگی‌های مدرسان دانشجویان استعداد درخشان تا چه اندازه در استادان گروه شما قابل ملاحظه است؟ پرسش "نامه ای با ۱۳ گویه طراحی شد. جدول شماره ۴، مقایسه میانگین نمره اساتید و ویژگی‌های اساتید از نظر دو گروه مورد بررسی را نشان می‌دهد.

جدول (۴): مقایسه میانگین نمره ویژگی‌های اساتید گروه تخصصی از نظر دو گروه

P	T	عادی		استعداد درخشان		گویه ها	شماره
		S	\bar{X}	S	\bar{X}		
۰/۳۹۲	۰/۸۹۵	۱/۳۷	۲/۹۲	۱/۱۷	۲/۷۴	دارا بودن اطلاعات در حد قابل قبول در رابطه با موضوع درس	۱
۰/۰۴۷	۲/۰۰	۱/۲۶	۲/۶۰	۱/۱۷	۳/۰۱	توانایی استفاده از نرم‌افزارهای آموزشی مربوط به درس و اینترنت در تدریس	۲
۰/۸۸۵	۰/۱۴۴	۱/۲۸	۲/۴۵	۱/۰۴	۲/۴۸	احترام به نظرات دانشجویان (ولو مخالف با نظریات خودشان)	۳
۰/۸۷۱	۰/۱۶۲	۰/۹۷۷	۲/۹۷	۱/۱۰	۲/۹۴	توانایی برقراری ارتباط صمیمانه با دانشجویان	۴
۰/۱۴۶	۰/۱۴۶	۰/۹۸۸	۲/۹۱	۱/۰۸	۲/۱۷	دارا بودن انتظارات سطح بالا از دانشجویان	۵
۰/۳۲۴	۰/۹۹۰	۱/۹۲۵	۲/۸۸	۱/۱۱	۳/۰۵	توانایی به چالش کشاندن ذهن دانشجویان و ایجاد مرتبط با درس	۶
۰/۰۷۲	۱/۸۱	۰/۹۶۲	۲/۸۲	۰/۹۹۱	۳/۱۲	به روز بودن دانش اساتید	۷
۰/۰۲۰	۲/۲۵	۲/۲۹	۲/۵۲	۱/۲۱	۳/۰۲	اهمیت دادن به تفاوت های فردی و ویژگیهای منحصر به فرد دانشجویان	۸
۰/۶۸۵	۰/۴۰۷	۱/۰۶	۲/۶۵	۱/۰۱	۲/۵۸	در دسترس بودن و حضور کافی اساتید برای راهنمایی دانشجویان	۹
۰/۲۶۷	۱/۱۱	۱/۰۵	۲/۵	۰/۹۰۹	۲/۶۸	اهمیت قائل شدن برای نیازها و علایق دانشجویان	۱۰
۰/۳۶۲	۰/۹۱۵	۱/۰۱	۲/۵۲	۱/۰۵	۲/۶۸	توانایی ایجاد انگیزه و علاقه در دانشجویان	۱۱
۰/۳۳	۰/۹۷۷	۰/۹۸۳	۲/۸۴	۱/۰۸	۲/۶۷	باورداشتن قابلیت علمی دانشجویان	۱۲
۰/۵۰۴	۰/۶۷	۱/۰	۲/۴۵	۱/۰۱	۲/۵۷	توانایی تقویت حس یادگیری مادام‌العمر در دانشجویان	۱۳

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد از نظر دانشجویان استعداد درخشان بیشترین درصد تجمعی گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد مربوط به گویه شماره ۷ «به روز بودن دانش اساتید» با $M=3/12$ درصد ۴۴/۳ و کمترین درصد مربوط به گویه شماره ۱۰ «اهمیت قائل شدن برای نیازها و علایق دانشجویان» با ۱۰ درصد بوده است. یافته‌های جدول (۴) نشان می‌دهد بیشترین درصد تجمعی گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد از نظر دانشجویان عادی مربوط به گویه شماره ۱ «دارا بودن اطلاعات در حد قابل قبول در رابطه با موضوع

درس» با $38/6\%$ درصد ($M=2/92$) و کمترین درصد مربوط به گویه شماره ۱۳ «توانایی تقویت حس یادگیری مادام‌العمر در دانشجویان» با 10% درصد ($M=2/45$) بوده است. بر اساس یافته‌های جدول (۴)، از ۱۳ گویه مربوط به ویژگی‌های اساتید در گروه تخصصی، t مشاهده شده در سطح $0.05 \leq \Pi$ در گویه شماره ۲ «استفاده از نرم‌افزارهای آموزشی مربوط به درس و اینترنت در تدریس» و گویه شماره ۸ «اهمیت دادن به تفاوت‌های فردی و ویژگی‌های منحصر به فرد دانشجویان» معنادار بوده است. بنابراین، بین نظرات دانشجویان استعداد درخشان و دانشجویان عادی در این دو مورد تفاوت معنی دار وجود دارد.

جدول (۵): مقایسه میانگین نمره ویژگی اساتید با معیار فرضی $3/5$ از نظر دانشجویان استعداد درخشان

T	Se	S	\bar{X}	
-۷/۹۸	۰/۰۸۶	۰/۷۲۶	۲/۸۰	ویژگی اساتید گروه تخصصی

همان گونه که در جدول شماره (۵) مشاهده می‌شود، t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای 5% کوچکتر می‌باشد. بنابراین ویژگی‌های اساتید از دیدگاه دانشجویان اس تعداد درخشان کمتر از سطح متوسط است.

جدول (۶): مقایسه میانگین نمره ویژگی اساتید گروه تخصصی با معیار فرضی $3/5$ از نظر دانشجویان عادی

T	Se	S	\bar{X}	
-۱۰/۸۳	۰/۰۷۶	۰/۶۴۳	۲/۶۶	ویژگی اساتید گروه تخصصی

یافته‌های جدول (۶) نشان می‌دهد که t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای 5% در سطح کوچکتر می‌باشد. به این ترتیب، ویژگی‌های اساتید گروه تخصصی از نظر دانشجویان عادی کمتر از سطح متوسط است.

ویژگی‌های مدرسان دارای دانشجویان استعداد درخشان

در رابطه با ویژگی‌های اساتید، متخصصان بر پنج ویژگی زیر اشاره نموده‌اند که در ادامه دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان در این زمینه مطرح می‌گردد.

۱- داشتن توان علمی بالا و هماهنگ بودن آن با دانش روز جهان: در حال حاضر یکی از معضلات دانشگاه و علت اصلی نارضایتی دانشجویان، پایین بودن سطح علمی برخی از اساتید است. این نکته یکی از مواردی است که تمامی مصاحبه‌شوندگان در مورد آن اتفاق نظر داشتند و البته اظهار داشتند

این معضل بیشتر در رشته‌های مربوط به علوم انسانی به چشم می‌خورد. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره اظهار می‌دارد که مشکل ناکارآمدی و عدم تخصص اساتید معمولاً در رشته‌های علوم انسانی به چشم می‌خورد. از دید این استاد، علت این امر آن است که در رشته‌های علوم انسانی، معمولاً اساتید درس‌های متفاوت و متنوعی را تدریس می‌کنند در حالی که در همه آنها تخصص لازم را ندارند. یکی از دلایل این رویداد این نکته است که برخی اظهار می‌کنند دانشگاه مجبور است به استاد ناکارآمد هم حداقل چند واحد درس بدهد (۱۳۸۴). به زعم ۷۰٪ از مصاحبه‌شوندگان، برای حل این مشکل باید تغییرات اساسی در سیستم گزینش اساتید در دانشگاه بعمل آید. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید: "واقعاً تعجب‌آور است که با وجود نیروهای کارآمد متخصص و فارغ‌التحصیلانی که از توانایی‌های بالقوه بالایی برخوردارند هنوز هم در بسیاری از دانشکده‌ها از اساتید با مدرک کارشناسی ارشد برای تدریس استفاده می‌شود" (فرد شماره ۷، ۱۳۸۴).

۲- دارا بودن تفکر انتقادی: ۵۰٪ از مصاحبه‌شوندگان به لزوم بررسی نقادانه امور و بحث و انتقاد در رابطه با موضوع درس بسیار تأکید داشتند. یکی از مصاحبه‌شوندگان درباره انتقاد پذیری اساتید معتقد است: "استاد در کلاسی که دانشجوی استعداد درخشان وجود داشته باشد زیر فشار پاسخگویی علمی است. استاد باید با دیدی انتقادی با مسائل علمی برخورد نماید ولی معمولاً اساتیدی که سطح علمی بالایی ندارند خط قرمزهای بیشتری را در مورد سؤالات دانشجویان در نظر می‌گیرند و به دانشجویان اجازه انتقاد را نمیدهند".

۳- خلاق بودن استاد: ۷۰٪ از مصاحبه‌شوندگان، خلاق بودن اساتید را شرطی لازم برای بهبود فرایند تدریس و استفاده از روش‌های تدریس خلاق می‌دانند. به نظریکی از مصاحبه‌شوندگان "اساتیدی که خود خلاق نباشند، نمی‌توانند دانشجویان خلاق تربیت کنند. استاد خلاق میتواند دانشجویان را به سمت تفکر واگرا هدایت نماید و دانشجویانی مولد و مبتکر تربیت نماید. این وظیفه دانشگاه است که هنگام گزینش اساتید، استادان خلاق را انتخاب نمایند و یا لاقلاً آنها را با روش‌های تدریس خلاق آشنا نماید" (فرد شماره ۷، ۱۳۸۴).

۴- آشنا بودن اساتید با شخصیت منحصر به فرد دانشجویان استعداد درخشان: یکی از مشخصات اساتید موفق آن است که با توانایی‌ها، ویژگی‌ها و شخصیت مخاطبان خود آشنایی داشته باشند. این امر در مورد اساتیدی که مخاطبان دارای استعداد درخشان دارند از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا این دانشجویان به علت توانایی‌های بالقوه خود، نیازها و انتظارات خاصی از استاد و کلاس درس دارند

و اساتیدی که با ویژگی‌های روانی و شخصیتی این دانشجویان آشنا نباشد نمی‌تواند تدریس اثر بخشی داشته باشند. در این رابطه یکی از مصاحبه‌شوندگان اظهار می‌دارد: «اساتیدی که با دانشجویان استعداد درخشان کار می‌کنند معمولاً از لحاظ نوع برخورد دچار مشکل می‌شوند. علت این مسأله در آن است که ویژگی‌های شخصیتی و روانی دانشجویان استعداد درخشان را نمی‌شناسند و با مختصات فکری آنان آشنایی ندارند. به همین جهت نمی‌تواند روش‌های تدریس و ارزشیابی مناسب را نیز برای آنان در نظر بگیرند» (فرد شماره ۱، ۱۳۸۴). به نظر ۶۰٪ از مصاحبه‌شوندگان، برگزاری کارگاه‌ها، سمینارها و دوره‌های آموزشی با هدف شناسایی ویژگی‌ها، نیازها و انتظارات دانشجویان استعداد درخشان برای همه اساتیدی که با این دانشجویان کار میکنند، بسیار ضروری است.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش میتوان چنین استنباط نمود که دانشجویان استعداد درخشان از کیفیت تدریس اساتید رضایت کامل نداشته‌اند. بر اساس یافته‌های جدول ۱ که شاخص‌های تدریس اثربخش برای دانشجویان استعداد درخشان را نشان میدهد، توجه به شیوه تدریس مشارکتی ضعیف‌ترین شاخص و بحث پیرامون درس مناسب‌ترین شاخص تدریس اساتید بوده است.

همچنین نتایج به دست آمده از جدول ۱ حاکی است که بیشتر اساتید دانشگاه اصفهان از روش طرح بحث و سؤال در کلاس درس استفاده می‌نمایند، که این امر یکی از نقاط قوت اساتید در دانشگاه اصفهان محسوب می‌شود. از دیدگاه دانشجویان استعداد درخشان، تدریس مشارکتی، در دانشگاه اصفهان به ندرت صورت می‌گیرد، این در حالی است که در ادبیات آموزش عالی، تدریس مشارکتی توسط چند استاد، عاملی است تا از طریق آن هر یک از اساتید به تدریس مطالب کاملاً تخصصی بپردازند. این امر باعث بالا رفتن سطح علمی دانشجویان می‌شود (مک‌نیل^۱، ۲۰۰۴).

بر اساس یافته‌های حاصل از پژوهش، دانشجویان عادی دانشگاه اصفهان تدریس بر اساس مطالب و نکات کلیدی و مفاهیم اصلی موضوعات درسی را خوب ارزیابی نموده‌اند. که نشان دهنده عدم انحراف اساتید از موضوع اصلی درس در حین تدریس است. با این وجود، توانایی اساتید در تقویت ایده‌های نو و خلاق در دانشجویان را ضعیف ارزیابی نموده‌اند (جدول ۱). این در حالی است که در عصر حاضر، بیش

1. Mc-neel

از هر زمانی دیگر تأکید بر آموزش و استفاده از روشهای تدریس خلاق است و از دانشگاهها خواسته می شود تا دانشجویانی خلاق و کارآفرین به جامعه تحویل دهند. دانشجویانی که توانایی ایجاد کار برای خود و دیگر افراد جامعه را داشته باشند و بتوانند به عنوان عنصری خلاق و پویا در صنعت و سایر بخش های جامعه فعالیت نمایند که این امر مستلزم آموزش خلاق و کارآفرین است. به نظر می رسد در این زمینه، تشکیل کارگاه های آموزش خلاقیت برای آشنا سازی اساتید مفید واقع شود.

نتایج پژوهش نشان می دهد از یازده شاخص مربوط به شیوه های تدریس، تفاوت دیدگاه های دانشجویان استعداد درخشان و عادی فقط در الگوی "تقویت ایده های نو و خلاق در دانشجویان" و "استفاده از کامپیوتر و سایر رسانه ها در تدریس" معنا دار بوده است (جدول ۱). نکته حائز اهمیت آن است که کیفیت تدریس از دید هر دو دسته ضعیف تر از سطح متوسط ارزیابی شده است. بنابراین، برگزاری کارگاه ها و دوره های آموزشی آشنا ساختن اساتید با روش های تدریس خلاق و فعال ضروری می باشد. نتایج دست آمده از این پژوهش با نتایج پژوهش احمدی (۱۳۸۲)، سراج زاده (۱۳۸۲)، مختاری پور و جمشیدیان (۱۳۸۲)، حسینی (۱۳۸۲ - ۱۳۸۷) و مک نیل (۲۰۰۴) هم خوانی دارد.

بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش، در رابطه با ویژگی های اساتید، دانشجویان استعداد درخشان به روز بودن دانش اساتید را بهترین شاخص ارزیابی نموده اند ولی اهمیت قائل شدن برای نیازها و علائق دانشجویان را ضعیف ترین شاخص معرفی کرده اند (جدول ۴). این در حالی است که یکی از مهم ترین مشخصه های آموزش موفق توجه به نیازها و علائق دانشجویان است.

در مصاحبه های انجام شده با اساتید، تعداد زیادی از آنها بر این باورند که نباید سطح علمی دانشگاه را فدای علائق و خواسته های نابه جای دانشجویان نمود و توجه به علائق فردی دانشجویان ممکن است در دراز مدت به زیان نیازهای جامعه باشد. علاوه بر آن، مدت برگزاری کلاس های درس، اجازه توجه به علائق دانشجویان را نمی دهد. به علاوه نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد دانشجویان عادی نیز مانند دانشجویان استعداد درخشان "به روز بودن دانش اساتید" را خوب ارزیابی نموده اند. که خوشبختانه این امر نشان می دهد که اساتید دانشگاه اصفهان از سطح علمی قابل قبولی برخوردار هستند.

نکته حائز اهمیت دیگر در این پژوهش آن است که ویژگی های اساتید به طور کلی بهتر از روش های تدریس اساتید ارزیابی شده است. بنابراین می توان امیدوار بود که با برگزاری دوره های آموزش ضمن خدمت، کیفیت آموزش را بتوان در این دانشگاه بهبود بخشید. در این دوره ها، اعضای هیأت علمی باید نسبت به چگونگی تدریس به این دانشجویان، ویژگی های شخصیتی و توانمندی های آنان نیز آگاهی هایی

کسب کنند. در کنار برگزاری این دوره‌ها لازم است گزینش اعضای هیات علمی به ویژه برای دانشگاه‌های مادر، با دقت نظر بیش‌تری انجام پذیرد.

همچنین نتایج پژوهش نشانگر آن است که دانشجویان استعداد درخشان در این دو حیطه (روش‌های تدریس و ویژگی‌های اساتید) وضعیت را بهتر از دانشجویان عادی ارزیابی نموده‌اند. شاید یکی از دلایل این امر آن باشد که دانشگاه امکانات بیشتری برای دانشجویان استعداد درخشان فراهم می‌کند و همین امر می‌تواند باعث افزایش رضایت این دانشجویان گردد به علاوه اساتید نیز به دانشجویانی که بر چسب استعداد درخشان دارند، توجه بیشتری مبذول می‌نمایند. این در حالی است که روش‌های شناسایی دانشجویان استعداد درخشان تنها با معیار موفقیت و رتبه کنکور سنجیده می‌شود که این امر نمی‌تواند ملاک قابل اطمینانی برای این برچسب‌ها باشد و دانشگاه باید با هدف پرورش خلاقیت و کارآفرینی و افزایش رضایت مندی در تمامی دانشجویان چه عادی و چه استعداد درخشان به تجدید نظر در برخی از معیارهای خود پردازد.

Archive of SID

منابع

- احمدی، احمد. (۱۳۶۲). بررسی رضایت دانشجویان استعداد درخشان اصفهان؛ مجموعه مقالات همایش ملی استعدادهای درخشان، دانشگاه اصفهان.
- حسینی، ا. (۱۳۷۸). ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن. مشهد: آستان قدس رضوی.
- حسینی، افضل السادات. (۱۳۸۲). شیوه‌های تدریس اثربخش برای استعدادهای درخشان، اصفهان، مجموعه مقالات دومین همایش ملی استعدادهای درخشان، دانشگاه اصفهان.
- سراج زاده، جعفر. (۱۳۸۲). بررسی زمینه اجتماعی دانشجویان ممتاز و نگرش آنان نسبت به مسائل دانشگاه: مجموعه مقالات دومین همایش ملی استعدادهای درخشان، اصفهان.
- مختاری پور، مریم و جمشیدیان، عبدالرسول. (۱۳۸۲). بررسی موانع آموزشی و پژوهشی پرورش خلاقیت در دانشجویان استعداد درخشان دانشگاه اصفهان. مجموعه مقالات دومین همایش ملی استعدادهای درخشان، اصفهان
- Archambault, F. X. Westberg. K. L. Brown, S. W., Hallmark, B. W, Zhang, W., & Emmons, C. L.(1999). Classroom practices used with gifted third and fourth grade students. *Journal for the Education of the Gifted*, 1, 103-119.
- Culross, R.(1997). Concepts of inclusion in gifted education. *Teaching Exceptional Children*, 29(3), 24-26.
- Davis, G. A., & Bimm, S. B.(1986). Education of the gifted and talented. Englewood Cliffs. J:Prentice-Hall.
- Hoover, S. M., Sayler, M., & Feldhusen, J. F.(1993). Cluster grouping and elementary students at the elementary level. *Roeper Review*, 16(1). 13-15
- Howlly, J. C.(. (1986) Engaging the Curriculum in Higher Education, Buckingham:SRHE and Open University Pres
- Kaplan, L.(2004). Helping gifted student with stress. [www. Kidsource.Com](http://www.Kidsource.Com).
- Kerka,M° Gory.K° (1999). Creativity in adulthood. Eric clearing house on adult, Columbus.
- Landry, L. (2001). Evidence-led Professional Creativity: a perspective from the General Teaching Council for England. *Educational Action Research* 12, 1 163-167.
- Maker, C. J.(1982). Teaching models in education of the gifted. Austin, TX: Proed.
- Mc-Neel. R.(2004). National survey of identification practices in gifted and talented education. *Exceptional Children*. 48(2). 124-132.
- Midhanse , B.(1997). Challenging gifted students in regular classroom. www.Kidsource.Com.
- Nellson·Y° and Wared, J. C. R.(1987). Activity based students induction, Motivation, Performance and professional socialization: Acas study International conference on Engineering Education August 6-10, oslo, Norway.
- Renzulli, J. S & Gubbins, E. J.(1999). The National Research Center on the Gifted and Talented: Lessons learned and promises to keep. In J. A. Leroux(Ed), *Proceeding of the 12th*

Annual World Conference of the World Council for Gifted and Talented Children, Inc. (pp. 51-70). Seattle, WA: WCGTC.

Renzulli, J. S & Rimm, S. M., & Smith, L. H. (1981). The revolving door identification mode. Mansfield Center, CT: Creative Learning Press.

Rogross, S. (1996). Underachieving gifted students. Eric. EcDi. Gest. www.Kidsource.Com.

Seney, R. (2001). Academic emotions in students' self-regulated learning and achievement: A program of qualitative and quantitative research. *Educational Psychologist Review*, 37, 91-106.

Snyder, B. (1999, Fall). Raising aspirations of girls. *Vocational Guidance Quarterly*, 37-43.

Tomlinson, C. A. (1996). Good teaching for one and all: Does gifted education have an instructional identity? *Journal for the Education of Gifted*, 20(2), 155-174.

Torrance, E. P. (1990). *The manifesto: A guide to developing a creative career*. Westport, CT: Ablex.

Van Tassel-Baska, J. (1998a). The development of academic talent: A mandate for educational best practice. *Phi Delta Kappan*, 79(10), 760-763.

Westberg, K. (2003). *Beyond I.Q: A triarchic theory of human intelligence*. New York: Cambridge University Press

Archive of SID